

## سبک کنایی «دو کلمه حرف حساب» کیومرث صابری فومنی

نعمت‌الله ایران‌زاده\*

نجمه زارع بنادکوکي\*\*

### چکیده

طنزهای سیاسی و اجتماعی در مطالعات تاریخ سیاسی و اجتماعی، و بررسی خردورزی و خردستیزی آبخوری پرشور و خروش از عواطف انسان‌های ظریف و حساس است. این گونه ادبی ابزاری مؤثر برای تحول‌آفرینی و اصلاح کژی‌ها و ناراستی‌هاست. طنزهای اجتماعی و انتقادی را می‌توان در پیوند با امر عقلائی و به‌نوعی جامعه‌پذیری و مشارکت در روند روبه‌رشد حرکت اجتماعی و مردم‌سالاری دانست. با بازشناسی طنز به‌منزله گونه ادبی تأثیرگذار در گفتمان انتقادی، می‌توان گامی به تحلیل جامعه‌شناسی ادبی نزدیک شد. طنزنویسان با بهره‌گیری از شگردهای ادبی انتقادات پوشیده خود را مطرح می‌کنند و در مسئولان جامعه و مردم به‌خصوص نخبگان تأثیر می‌گذارند. طنزهای سیاسی کیومرث صابری، که از ۱۳۶۳ در ستون «دو کلمه حرف حساب» روزنامه اطلاعات چاپ می‌شد، نمونه برجسته‌ای از این گونه طنز و از جهاتی درخور تأمل است. در این مقاله، چگونگی استفاده او از کنایه در خلق تصاویر طنزآمیز نشان داده شده است. کنایه در طنزهای نخستین صابری کم‌تر است؛ ولی با گذشت زمان، به سبک نگارش صابری تشخیص بخشید و از عناصر شکل‌دهنده سبک شخصی او شد.

**کلیدواژه‌ها:** «دو کلمه حرف حساب»، کیومرث صابری، طنز سیاسی، نشر معاصر، کنایه.

\* عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی [iran zad\\_n@yahoo.com](mailto:iran zad_n@yahoo.com)

\*\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی [n.zare97@yahoo.com](mailto:n.zare97@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۲۳

## ۱. مقدمه

در گونه‌شناسی ادبی، طنز «به نوع خاصی از آثار منظوم یا مثنوی ادبی گفته می‌شود که اشتباهات یا جنبه‌های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی سیاسی یا حتی تفکرات فلسفی را به شیوه‌ای خنده‌دار به چالش می‌کشد» (اصلانی، ۱۳۷۸: ۱۴۰). اصطلاح طنز در معنای امروزی از ۱۳۵۰ ش رایج شد و قبل از آن به ندرت، به صورت پراکنده، و اغلب غیرعامدانه به کار می‌رفته است (تجبر، ۱۳۹۰: ۴۰).

طنزنویس برای خلق اثرش از نقیضه (parody)، وارونه‌سازی (irony)، کاریکاتورسازی (caricature)، کوچک‌سازی (diminution)، بزرگ‌سازی (inflation)، تقابل‌سازی (juxtaposition)، نظیره یا مضحکه (burlesque)، حماسه مضحک (mock epic)، و... استفاده می‌کند. همچنین به منظور تأثیرگذاری بلاغی از ترفندها و شگردهایی چون تشبیه، جناس، ایهام، تضاد، استدراک، کم‌گرفت، و کنایه بهره می‌جوید. در اثر طنزآمیز، هنر بلاغی و شگرد ادبی محاکات هنرمندانه و خلاقانه طنزپرداز را ژرفا و اوج می‌بخشد و آن را از زبان اخباری و پیام ساده و صرف پیراسته می‌کند.

این مقاله درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که صابری، طنزنویس مشهور معاصر، چگونه از شگرد بلاغی کنایه به‌مثابه یکی از شگردهای پرکاربرد طنز و هجو استفاده می‌کرد؟ تا حدی که این شگرد در گذر زمان یکی از ویژگی‌های بارز سبک او شد و می‌توان سبک او را سبکی کنایی دانست.

درباره سبک صابری تحقیقات زیادی انجام نشده است؛ «مقدمه‌ای بر سبک‌شناسی دو کلمه حرف حساب» ابوالفضل زرویی و «مدار واژه‌های دو کلمه حرف حساب» محمد رفیع ضیایی شایان ذکر است.

## ۲. سبک طنزنویسی کیومرث صابری

مشهورترین نوشته‌های کیومرث صابری «دو کلمه حرف حساب» است که اغلب با امضای «گل آقا» در روزنامه اطلاعات (۱۳۶۳-۱۳۷۷) به چاپ می‌رسید. چندی پس از انتشار اولین «دو کلمه حرف حساب» در ۲۴ دی ۱۳۶۳، گل آقا به‌عنوان طنزنویسی صاحب سبک و خلاق و مهم‌ترین منتقد حکومت در کشور مطرح شد و توجه بسیاری از مردم، مقامات، ادبا، نویسندگان، و رسانه‌های داخلی و خارجی را به خود جلب کرد. طنز سیاسی، که

تقریباً از ۱۳۵۹ تعطیل شده بود، با «دو کلمه حرف حساب» حیات تازه‌ای پیدا کرد (اصغرپور، ۱۳۸۴: ۲۷).

صابری قبل از انقلاب اسلامی، بیش از ده سال با نام‌های مستعار گوناگون در روزنامه توفیقی طنزنویسی کرد؛ در آن زمان روش‌های گوناگون را آزمود و در نهایت، سبک ویژه خود را در طنزنویسی یافت.

در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به سبب شروع جنگ و مسائلی از این دست طنزپردازان بیش‌تر سعی می‌کردند به مسائل غیرسیاسی بپردازند و مردم به دلیل دغدغه‌های معیشتی حوصله طنزخواندن نداشتند و کسی هم جرئت نزدیک‌شدن به طنز سیاسی نداشت. در این دوره بروز و ظهور قلمی به اسم گل‌آقا بین مردم شادمانی زیادی ایجاد کرد؛ زیرا آن‌ها شاهد نوعی نگارش طنز بودند که تا حالا تجربه نکرده بودند؛ آن هم طنزهای بسیار محکم سیاسی با رویکردی عامه‌فهم و پر گوشه و کنایه که با روحیه هر ایرانی موافق بود (زرویی، ۱۳۸۹).

به نظر می‌رسد بیش‌تر مسائل اقتصادی در طنز صابری مطرح می‌شود، اما درون‌مایه طنزهای او همه مسائل یک جامعه در حال توسعه را دربر می‌گیرد. خود او می‌گوید:

حساسیت ما اولاً فقط روی مسائل اجتماعی نیست. ما روی مسائل سیاسی و فرهنگی و اقتصادی هم حساسیت داریم. اما در عمل، بیش‌تر به طرف مسائل اقتصادی کشانده می‌شویم و این شاید ناشی از این امر باشد که مردم ما بیش‌تر در این قسمت گرفتاری و مشکلات دارند (صابری، ۱۳۷۲: ۴۵).

برخی از انگیزه‌هایی که حساسیت این طنزپرداز نوگرا را برانگیخته است:

- مسائل اجتماعی: مسائل شهری، اداری، بهداشتی - درمانی، مفاسد اجتماعی و ... .
  - مسائل سیاسی: حوادث سیاسی، احزاب سیاسی، عدم صلاحیت برخی از مسئولان، سیاست خارجی و ... .
  - مسائل اقتصادی: شکاف طبقاتی، وضعیت مالی مردم، صادرات و واردات، تولید، تورم، بخش خصوصی، وضعیت بانک‌ها و تسهیلات آن‌ها، اقتصاد بین‌الملل و ... .
  - مسائل فرهنگی: مسائل مربوط به آموزش و پرورش، وضعیت دانشگاه‌ها، فرهنگ وارداتی، وضعیت زبان فارسی، حقوق زنان و ... .
- برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک طنز صابری:
- سطح زبانی: تأکید بر درست‌نویسی، پرهیز از عامیانه‌نویسی، استفاده از واژه‌های علوم سیاسی روز، کاربرد واژگان و دستور زبان کهن و ... .

سطح ادبی: نثر ادیبانه، شعر، شخصیت‌پردازی و داستان‌پردازی، تقیضه‌سازی بر پایه متون برجسته ادب کلاسیک، ایهام، کنایه و ... .

مهم‌ترین شگردهای ابداعی و ترفندهای طنزآمیز در نوشته‌های صابری عبارتند از نفی بدیهیات، قضیه‌سازی، طرح تناقض، اطناب بلاغی، استفاده از گفت‌وگو، و ساخت‌ها و وجوه متفاوتی چون سؤال و جواب، صنعت تجرید، گفت‌وگوی تلفنی، دیالوگ منفی، پاورقی‌نویسی، نامه‌نویسی گل‌آقا، نامه‌ وارده و ...

پایبندی به ارزش‌های جامعه و به‌کارگیری زبانی پاکیزه در طنز یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در طنزنویسی صابری مطرح است؛ او هیچ‌گاه پرده‌داری و هتاک‌نمی‌کند. پیوسته به ارزش‌ها احترام می‌گذارد و به هیچ‌عنوان با زبان طنز حرمت آن‌ها را نمی‌شکند و می‌گوید: «به خدا قسم من حتی دشمن را هم در دو کلمه حرف حساب‌هایم تحقیر نکرده‌ام و مورد مشابهش را به یاد نمی‌آورم، ممکن است بسیار محکم‌تر گفته باشم، اما نجیبانه گفته‌ام و نجابت، یک عنصر اساسی در طنز گل‌آقایی است» (کیانی، ۱۳۷۴: ۷۸).

### ۳. کنایه در طنزهای دو کلمه حرف حساب

کنایه در لغت به معنی «پوشیده سخن گفتن» است و یکی از شگردهای زیباآفرینی است که زبان عادی، روزمره، و تکراری را به زبان ادبی و هنری ارتقا می‌دهد. کنایه به دلایلی چون کراهت از ذکر نام چیزی، خواه از سر ترس یا تحقیر، عظمت و بزرگی، رعایت ادب، معما، مبالغه، و اغراق به‌کار می‌رود (آقازینالی و آقاحسینی، ۱۳۸۷: ۱۰۵-۱۱۰). کنایه صورت ملموس یک معنی است؛ در جمله نشانه‌ای نیست که بفهمیم منظور معنای دیگری است، ولی ذهن با استدلال درمی‌یابد که معنای دیگری نیز وجود دارد؛ البته اراده هر دو معنی درست است.

ویژگی‌های خاص کنایه سبب شده که از دیرباز همچوگویان و طنزنویسان بدان به منزله شگردی بلاغی توجه داشته باشند:

۱. دوبرعدی بودن: یکی معنای نزدیک (مکنی‌به) و دیگری معنای دور (مکنی‌عنه) که البته برخلاف ایهام معنای نزدیک ملازم معنای دور است و استبعادی ندارد که هر دو معنی را حقیقت بدانیم.

کنایه به دلیل بار معنایی دوگانه‌اش - حفظ معنای حقیقی کلام در کنار معنای مجازی -

می‌تواند در حوزه مشترک میان حقیقت و مجاز قرار گیرد و از این جهت سخن کنایی چون تصویری است که دو منظره را نشان می‌دهد (ده‌مرده و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

۲. ابهام: در کنایه ذهن برای رسیدن به معنای اصلی، باید ارتباط معنای ظاهری و معنای اصلی را بیابد؛ گاه این کشف سریع اتفاق می‌افتد چون واسطه‌هایی که ما را به معنای اصلی رهنمون می‌شود کم است؛ ولی گاه این وسائط زیاد است و با نوعی ابهام روبه‌رو هستیم. ذهن با تلاش بیش‌تری «از طریق تداعی معنا بر اساس اصل ملازمت» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵: ۶۲) به معنای اصلی می‌رسد و این رفع ابهام لذت‌بخش است.

۳. ایجاز: کنایه ترکیبی است در نهایت ایجاز؛ یعنی عبارتی را می‌آوریم که می‌توانیم دو معنا را از آن اراده کنیم.

کنایه به‌خصوص، به دلیل سه ویژگی‌ای که ذکر کردیم، طنزنویسان را بر آن می‌دارد تا از این امکان بهره بگیرند یا با تجربه زبان و مهارت در کنش‌های کلامی، کنایاتی را ابداع کنند. البته «کاربرد عناصر بلاغی ویژه به شکل‌ها و شگردهای خاصی است که طنز خلق می‌کند و به‌کارگیری هر عنصر بلاغی در طنز، تا زمانی که تصویر طنزآمیز نسازد، عنصر بلاغی محسوب نمی‌گردد» (باقری خلیلی، ۱۳۸۸: ۷).

در این مقاله از هر جلد گزیده دو کلمه حرف حساب، ده ستون اول کتاب (جمعاً چهل ستون) را به‌منزله نمونه انتخاب کردیم که نتایج حاصله را در جدول‌های ۱ و ۲ می‌بینیم.

جدول ۱. عناصر بلاغی به‌کاررفته در دو کلمه حرف حساب

ردیف	جلد	کنایه	دیگر هنرهای بیانی	شگردهای بدیعی	جمع	درصد
۱	اول	۳۸	۹	۱۰	۵۷	۱۷/۸۱
۲	دوم	۵۵	۸	۱۴	۷۷	۲۴/۶
۳	سوم	۵۸	۴	۱۳	۷۵	۲۳/۴۳
۴	چهارم	۷۹	۱۳	۱۹	۱۱۱	۳۴/۶۸
۵	جمع کل	۲۳۰	۳۴	۵۶	۳۲۰	۱۰۰

با توجه به جدول ۱ درمی‌یابیم که کنایه در مقایسه با دیگر فنون بلاغی اعم از بیانی و بدیعی بسامد بالاتری دارد. همچنین ناگفته نماند که بعد از کنایه از میان هنرهای بیانی تشبیه و در شگردهای بدیعی اغراق، تضمین، ابهام و تلمیح بسامد بالایی دارد.

جدول ۲. کنایه‌های به کاررفته در دو کلمه حرف حساب

ردیف	جلد	کنایه معمولی	کنایه ابتکاری	جمع	درصد
۱	اول	۳۵	۳	۳۸	۱۶/۵۳
۲	دوم	۴۴	۱۱	۵۵	۲۳/۹۲
۳	سوم	۴۸	۱۰	۵۸	۲۵/۲۱
۴	چهارم	۵۹	۲۰	۷۹	۳۴/۳۴
۵	جمع کل	۱۸۶	۴۴	۲۳۰	۱۰۰

با توجه به جدول ۲ چنین نتیجه‌گیری می‌شود:

- در چهل ستون «دو کلمه حرف حساب» ۲۳۰ کنایه دیده می‌شود که بسیار قابل توجه است.
  - کنایه‌های ابتکاری صابری نشان‌گر این است که ما با کنایه به منزله یک نشانه زبانی صرف روبه‌رو نیستیم.
  - کنایه در نخستین جلد گزیده دو کلمه حرف حساب کاربرد کم‌تری نسبت به جلدهای بعدی دارد؛ هرچه صابری در سبک خاص خود به اوج می‌رسد، بهره‌گیری از کنایه خلاقانه‌تر می‌شود و تصویرهای طنزآمیزی که خلق می‌کند، پرجاذبه‌تر است. می‌توان ادعا کرد که کاربرد فراوان کنایه در آثار او چه آن‌جا که صرفاً کنایه می‌آورد تا مفهومی را بهتر منتقل کند، چه آن‌جا که کنایه در خدمت خلق تصویر طنزآمیز است، ویژگی مهم و اساسی سبک اوست و می‌تواند یکی از دلایل محبوبیت طنز او در ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۷ باشد و این را می‌توان نتیجه مردمی‌بودن طنز صابری دانست. او برای مردم طنز می‌نویسد و حتی راز و رمز موفقیت «گل‌آقا» را در «زبان مردم بودن و با مردم بودن» (کیانی، ۱۳۷۱: ۲۸) می‌داند. کنایه شگردی هنری است که به‌وفور در زبان مردم دیده می‌شود و شاید بتوان گفت که در بسیاری از موارد، این شگرد از زبان مردم به زبان ادبی راه می‌یابد.
- نخستین کنایه صابری که با شروع ستون طنز «دو کلمه حرف حساب» در روزنامه اطلاعات پدیدار می‌شود، همان عنوان ستون است. ذیل این کنایه در فرهنگ کنایات آمده: «سخن درست، ادعای صحیح» (ثروت، ۱۳۷۵: ۱۶۱).
- یکی از تقسیم‌بندی‌های کنایه از حیث دلالت مکنی‌به (معنای ظاهری)، به مکنی‌عنه (معنای باطنی) است که به سه نوع تقسیم می‌شود: الف) کنایه از موصوف، ب) کنایه از صفت، و ج) کنایه از فعل.
- در ذیل به کاربرد انواع کنایه در «دو کلمه حرف حساب» اشاره می‌کنیم. به دلیل آن‌که

در هر مثالی که می‌آوریم، چندین کنایه وجود دارد، کنایه‌هایی که دربارهٔ مبحث اصلی است را پررنگ و سیاه و بقیهٔ کنایه‌ها را به صورت /یرانیک نشان می‌دهیم.

### ۱.۳ کنایه از موصوف

در این نوع کنایه «مکنی به صفت یا مجموعهٔ چند صفت یا جمله و عبارتی وصفی (صفت و موصوف، مضاف و مضاف‌الیه) یا بدلی (مضاف و مضاف‌الیه) است که باید از آن متوجه موصوفی شد» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۶۶).

می‌گویم: ولی و زهرمار! یک قدم رفاهی هم که برای فرهنگیان برداشته می‌شود، حضرت‌عالی می‌خواهی آن را ببری در فهرست موعید خالی‌بندی! بی‌خود نیست که اسمت را گذاشته‌ایم: خروس نابهنگام! (صابری، ۱۳۷۴: ۶۵).

- معنای ثانوی کنایه «خروس بی‌محل» شخص وقت‌شناس است؛ ولی صابری با آوردن نابهنگام به جای بی‌محل که ادبی‌تر است، از این کنایه به‌منظور برجسته‌کردن آن آشنایی‌زدایی می‌کند و طنز می‌آفریند. دو کنایهٔ دیگر، کنایه از صفت است.

#### چشم و چراغ!

بعضی از مسئولان توقع دارند تنها با تعریف و تمجید از سوی مطبوعات مواجه شوند. متأسفانه جایگاه واقعی مطبوعات از سوی برخی مسئولین درک و شناسایی نشده است ... مطبوعات چشم و چراغ جامعه هستند (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی).

... علی‌هذا، باقی می‌ماند همان مسئلهٔ چشم و چراغ، که چون توضیحاتش یک کمی مفصل است، دیگر ضرورتی برای توضیح بیش‌تر احساس نمی‌گردد! الا این‌که، اگر جامعه تا حالا ما را چشم خودش حساب نکرده، امیدواریم از این پس دیگر حساب بفرماید و در مورد چراغ هم چون وزارت نیرو دستور صرفه‌جویی در مصرف برق را داده، به روی چشم! برای چراغ هم یک فکری می‌کنیم! (صابری، ۱۳۶۹: ۱۹۰).

- چشم و چراغ کنایه از فرد محبوب است. صابری با ارادهٔ معنای ظاهری چشم و چراغ و ربط‌دادن چراغ با صرفه‌جویی در مصرف برق، طنز می‌آفریند.

### ۲.۳ کنایه از صفت

در این کنایه «مکنی به صفتی است که باید از آن متوجه صفت دیگری (مکنی‌عنه) شد» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۶۸).

می‌گویم: نخیر... مادامی که از عوارض حمالی و مالیات حقوق کارمندان، می‌شود خزانه را پر کرد، چرا مخالف باشیم؟ اما زبانم لال، اگر بخواهند این مالیات و عوارض را از کسبه گنده‌پا (نقطه مقابل خرده‌پا!) وصول بفرمایند، زبانم لال، ممکن است مثل آن دفعه که صنف زرگر اعتراض نمود، کار به جای باریک بکشد! (صابری، ۱۳۷۴: ۱۶).

– «خرده‌پا» کنایه از ناتوان و ضعیف است؛ صابری بر اساس این کنایه، کنایه «گنده‌پا» را ابداع می‌کند که معنای قوی و مرفه را به ذهن متبادر می‌کند و با ساختن کنایه‌ای جدید کنایه اصلی را نیز برجسته‌تر می‌کند.

برای جلوگیری از مصرف بی‌رویه مخصوصاً در بین اقشار آسیب‌پذیر که به حیف و میل عادت دارند (!) و سایر اقشار! علی‌الخصوص مرفهین بی‌درد الگوی مصرف خود را از آنان می‌گیرند! هیچ اقدامی به اندازه نقره داغ که برادران مسئول و مقامات عزیز خودمان، آن را کشف کرده‌اند و اجرا می‌کنند، مؤثر نیست و اگر هم باشد، آنی و مقطعی و زودگذر است (صابری، ۱۳۷۴: ۲۵۱).

– نقره‌داغ: کنایه از پولی است که به ناروا گرفته می‌شود و باعث ناراحتی بیش‌تر پول‌دهنده می‌شود. ادعای صابری درباره این که «برادران مسئول و مقامات عزیز» این کنایه را کشف کرده‌اند، سبب ایجاد طنز می‌شود.

### ۳.۳ کنایه از فعل

کنایه‌ای است که «فعل یا مصدری یا جمله‌ای یا اصطلاحی (مکنی‌به) در معنای فعل یا مصدر یا جمله یا اصطلاح دیگر (مکنی‌عنه) به کار رفته باشد» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۶۸).

... این جور که دارد مثنوی می‌خواند، گمان نمی‌کنم امروز به حرف حساب برسیم... خوش انصاف صدای خوشی هم ندارد. همه‌اش مخالف می‌خواند! (صابری، ۱۳۶۹: ۶۴).

– مخالف‌خواندن: مخالفت کردن، مخالف‌خوان آن‌که همواره با نظریات و عقاید دیگران مخالفت می‌کند (انوری، ۱۳۸۳: ۱۴۶۴).

یک قدم دیگر پا از گلیم خویش بیرون بگذارد، لابد نوکش را می‌چینیم! ما گل‌آقاییم... مگر می‌گذاریم در آبدارخانه ما کسی بیش از کوپن حرف بزند؟! همچین خودسانسوریش بکنیم که خودش کیف کند! (صابری، ۱۳۷۴: ۱۴۸).

– نوکش را می‌چینیم کنایه از این است که ساکتش می‌کنیم. «بیش از کوپن حرف زدن»



کنایه‌ای بود که بعد از انقلاب و دادن کوپن بین مردم شکل گرفت؛ یعنی هر کس مقدار مشخصی و به اندازه مقام و موقعیت خود می‌تواند حرف بزند نه بیش‌تر از آن.

### ۴.۳ تعریض

سکاکی (۶۲۷ ق) نخستین کسی است که تعریض را یکی از اقسام کنایه و در کنار تلویح، رمز، ایما و اشاره آورده است. او با ذکر تفاوت بین آن‌ها تعریض را محدودتر از کنایه می‌داند و رابطهٔ بینشان را «عام و خاص من وجه» ذکر می‌کند. بلاغیون بعد از او این دیدگاه را پذیرفتند و همیشه تعریض را ذیل مبحث کنایه مطرح می‌کنند (دستی، ۱۳۸۶: ۷۴).

تفاوت‌های اصلی کنایه و تعریض عبارتند از الف) کنایه از مقولهٔ مجاز است و دلالت آن نیز از طریق لفظ است، ولی تعریض مجاز نیست و دلالتش نیز از طریق قرینه و اشاره است؛ ب) کنایه را در مفرد و مرکب می‌بینیم، ولی تعریض در مفرد نیست و پیوسته در ترکیب و جمله جریان دارد (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۱۴۷؛ ج) کنایه را همگان درک می‌کنند، ولی تعریض به‌نوعی کنایهٔ خصوصی است و دو طرف ماجرا که زمینهٔ مشترک دارند (تعریض‌کننده و تعریض‌شونده) آن را درک می‌کنند و گاه شخص ثالث متوجه تعریض نمی‌شود. ناگفته نماند که تعریض نمی‌تواند قسمی برای سه قسم تلویح، رمز، و ایما باشد و اصلاً ربطی به وسائط بین مکنی به و مکنی‌عنه ندارد.

صابری با استفاده از تعریض در طنزهایش به طرق متفاوت از مسئولان جامعه انتقاد می‌کند:

فاعتبروا!...

<sup>۲</sup>بانک تجارت برای تولید اتومبیل فرانسوی پژو در ایران ۱۵۰ میلیارد ریال و ۸۰۰ میلیون فرانک اعتبار می‌دهد<sup>۳</sup> (روزنامه [؟]).

<sup>۲</sup>بانک مرکزی ایران برای ایجاد صنایع پتروشیمی نه و نیم میلیارد فرانک از فرانسه اعتبار می‌گیرد<sup>۴</sup> (همان روزنامه!).

فاعتبروا!...! (یعنی: اعتبار بگیرید! زیرا که 'وام' با 'اعتبار' فرق دارد (!) فلذاست که این یکی را هم می‌شود گرفت و هم می‌شود داد. ولی در باب آن یکی، حرف و سخن زیاد است! (صابری، ۱۳۷۳: ۴۰).

– فاعتبروا قسمتی از آخر آیهٔ ۲ سورهٔ حشر «هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ ... فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ» است و تعریض ظریفی به مسئولان بانک‌ها و تناقض بین سیاست‌هایشان دارد.

ادبیات غنایی!

‘واحدهای تولیدی از این پس به بخش خصوصی منتقل خواهد شد!’ «رئیس کل بانک مرکزی» (به نقل از روزنامه رسالت ۱۸ مهر ۶۹)  
دیر آمدی ای نگار سرمست زودت ندهیم دامن از دست

بخش خصوصی (به نقل از دیوان اشعار!)

– می‌بخشید! شاعر در بیت فوق صنعت اعنات یا لزوم مالایزم به‌کار برده است؛ یعنی می‌خواسته بگوید ‘واحد تولیدی’ تپق زد و گفت ‘نگار سرمست’! فلذا کسانی که می‌گویند منظور، همان رئیس کل بانک مرکزی است، معلوم می‌شود که از فوت و فن ‘ادبیات غنایی’ بی‌اطلاع می‌باشند (صابری، ۱۳۷۳: ۵۷).

– بیت «دیر آمدی ای ...» تعریض زیبایی به سخنان رئیس کل بانک مرکزی و خصوصی‌سازی دارد.

### ۵.۳ کنایه‌های ابتکاری

نویسندگان بزرگی که تسلط کاملی بر زبان دارند، همیشه کنایه‌ها را از زبان مردم اخذ نمی‌کنند، بلکه گاهی خود مبتکر کنایات جدیدی در زبان می‌شوند. صابری برای ایجاد تصویر طنزآمیز و آشنایی‌زدایی از کنایه‌هایی که بر اثر کثرت استعمال عادی شده و تأثیر خود را از دست داده‌اند، از سه روش استفاده می‌کند:

**الف)** با ظاهر کنایه بازی می‌کند، ولی معنا همان معناست:

... گفتم باید نوشابه باشد. گفت: شاید شربت سینه است! نوشابه که نمی‌باشد! گفتم اختیار داری... این همان ‘کولا’ است. خندید و گفت: مرد حسابی، ‘کلاه’ که روی سر خودت است... این همان شربت سینه است! (صابری، ۱۳۶۹: ۵۸).

– «کلاه بر سر کسی نهادن: کنایه از تخته کلاه کردن – معتبر شمردن و عظیم‌وانمودن او را – او را گول زدن» (ثروت ۱۳۷۵: ۳۹۶). در این کنایه صابری از طریق بازی زبانی با کلاه و کولا از راه تداعی معنا از کنایه «کلاه بر کسی رفتن» آشنایی‌زدایی کرده است و غیرمستقیم از کارخانه‌های تولید نوشابه انتقاد می‌کند.

... می‌گوید: دیشلمه‌ات را نوش جان بفرما! چرا اوقات تلخی می‌کنی؟ ما که سر لحاف با حضرت‌عالی دعوا نمی‌کنیم! می‌گوییم: دیگران چی؟ می‌گوید: چه کار داری به دیگران؟ شما این وسط مواظب سبیل مبارکتان باش که دودی نشود! (صابری، ۱۳۷۳: ۱۱).

- «سبیل کسی را دود کردن» کنایه از تأدیب سخت او، تنبیه کردن و شکست دادن اوست. شاغلام پیوسته از این مثل به همین شکل استفاده می‌کند. گویی درست آن را نمی‌داند و این شگردی است که نه تنها عوام‌بودن شخصیت شاغلام را نشان می‌دهد، بلکه از کنایه‌های تکراری آشنایی‌زدایی می‌شود.

حالا اگر تمام پنجاه میلیون شهروندان عزیز<sup>۲</sup> بفرمایند که ما قصد مزاح داریم، عرض خواهیم کرد که: حاشا از گل‌آقایی ما که قصد مزاح داشته باشیم. ما اهل این جور حرف‌ها نبوده، به این جور وصله‌ها نمی‌چسبیم! (صابری، ۱۳۷۴: ۴۲).

وصله به کسی چسبانیدن، کنایه از اتهام ناروا زدن است، صابری با تغییر شناسه فعل از شخص ثالث به ما (گل‌آقا) کنایه را تغییر داده و گرد عادت را از آن می‌زداید. (ب) از کنایه‌های معمول زبان استفاده کرده است، ولی معنایی غیر از معنای همه‌فهم کنایه در نظر دارد:

خط!!

<sup>۲</sup> ما می‌بینیم که هر بچه دیپلمات و بچه سیاست‌مداری می‌گوید: ما می‌خواهیم تشنج‌زدایی کنیم<sup>۳</sup> (حجت‌الاسلام محتشمی، نماینده مجلس).  
<sup>۳</sup> در کجای اسلام، سیاست خارجی را به دست تظاهرات خیابانی جوانان هیجان‌زده می‌سپارند؟ (رجایی خراسانی، نماینده مجلس).  
- الو، شاغلام! الو... الو... باز خط رو خط افتاده، بگو یکی بیاد درستش کن! (صابری، ۱۳۷۳: ۱۳).

«خط رو خط افتادن» کنایه از اختلال در شبکه‌های ارتباطی مخابرات است؛ ولی در این‌جا مقصود تضاد در روابط دو جناح سیاسی است.

(ب) ساخت کنایه جدید: از کاربردهای خاص کنایه در نوشته‌های گل‌آقا ابداع و نوآوری در زبان به قصد تأثیرگذاری بیش‌تر بر مخاطبان است. در این‌جا نخست نمونه‌ای را نقل و سپس آن را تحلیل می‌کنیم.

این غضنفر اسماً سرپرست روابط عمومی بنده است، اما رسماً نه بود/رد نه خاصیت! چند روز پیش به او تشر زدم که <sup>۴</sup>مرد حسابی، آخر اعلام موجودیتی، اظهار وجودی، تعیین موضعی، حضور فعالی، چیزی از خودت نشان بده، آخر تو چه روابط عمومی‌ای هستی؟<sup>۴</sup> خیلی خون‌سرد جواب داد باشد به موقعش! گذشت، تا همین دیروز که چندین و چند نفر تلفن کردند که چرا غضنفر موضع خودش را در مورد فعالیت مدارس

خصوصی و خیلی چیزهای خصوصی اعلام نمی‌کند؟ دیدم موقعش رسید. غضنفر را صدا زدم و گفتم: بفرما! حالا دیگر چه می‌گویی؟ زود باش موضع خودت را اعلام کن که خواننده‌ها بدانند. گفت: حالا چه لازم کرده؟ گفتم: حرف‌ها می‌زنی غضنفر... پس ما از کجا بدانیم که تو از کدام جناحی؟ در کدام طیفی؟ با کدام جریانی؟ جزو کدام خطی؟ ... همین جور کشکی که نمی‌شود! بیچاره به تته پته افتاد و گفت: هر چه شما بفرمایید! گفتم: هرچه شما بفرمایید، که نشد حرف. بالأخره با بخش خصوصی موافقی یا مخالف؟ گفت شما خودت 'چی' هستی؟ گفتم: تفتیش عقاید می‌کنی؟ من یا موافقم یا مخالف. به تو چه ربطی دارد؟ گفت: بنده هم یا موافقم یا مخالف، هرچه شما هستی! گفتم: نشد... فقط یک کلمه! بگو موافقی یا مخالف؟ گفت: آمش رجب بنده عیالوارم. قسط بانک هم دارم. ضبط صوتی چیزی که روشن نیست؟ گفتم: نخیر. گفت: توی راهرو کسی گوش نایستاده؟ نامحرمی چیزی...؟ گفتم: نه پدر جان. گفت: جایی درز نمی‌کند؟ حرف در نمی‌آید؟ نان بنده آجر نمی‌شود؟ گفتم: نه پدر جان، از چه می‌ترسی؟ گفت: نمی‌ترسم... احتیاط می‌کنم، خودت که می‌دانی احتیاط شرط عقل است. گفتم: من این حرف‌ها سرم نمی‌شود. نظر صریح اعلام کن. موافقی یا مخالفی؟ سرش را آورد بیخ گوشم. همین جور که یک چشمش به در بود و یک چشمش به راهرو آهسته گفت: **مخافق!** حالا می‌فهمم چرا اسمش را گذاشته غضنفر... خودمانیم واقعاً که جگر شیر دارد! (صابری، ۱۳۶۹: ۳۹).

- کنایه ابداعی «مخافق»، که بین مردم نیز رایج شد، کنایه از کسی است که از ترس یا مصلحت موضع خود را در امری مشخص نمی‌کند. بسیاری از کنایات جدیدی که در این متن طنزآمیز دیده می‌شود، با تغییر وضعیت سیاسی جامعه به وجود آمده‌اند؛ کنایاتی چون «اعلام موجودیت»، «اظهار وجود»، «تعیین مواضع»، «حضور فعال»، «تفتیش عقاید»، و «روشن بودن ضبط صوت» نشان‌دهنده تنش‌هایی است که یک جامعه تازه انقلاب کرده با آن درگیر است. این کنایات در کنار کنایات قدیمی تری چون «بو و خاصیت داشتن»، «تشرزدن»، «کشکی»، «به تته پته افتادن»، «گوش ایستادن»، «جایی درز کردن»، «حرف در نیامدن»، «آجر شدن نان»، و «جگر شیر داشتن» نشان‌دهنده عقیده نادرست، قضاوت درباره افراد بر اساس مواضع سیاسی‌شان، و همچنین ترس و دلهره افراد جامعه از این نوع قضاوت‌هاست. بیش‌ترین کنایات به کاررفته در این متن کنایاتی است که به نوعی ترس و مصلحت را نشان می‌دهند. کنایه «مخافق»، که طنزی تلخ در خود دارد، ضربه نهایی طنز را وارد می‌کند و مخاطب را اول می‌خنداند و بعد به فکر فرو می‌برد تا تلاش کند این اخلاق ناشایست را در جامعه اصلاح کند.

### ۶.۳ کنایه‌های جدید

کنایه یکی از آرایه‌هایی است که پیوسته در حال زایش است؛ با تغییر شرایط فرهنگی و اجتماعی کنایه‌های جدیدی به وجود می‌آید. صابری کنایاتی را که بعد از انقلاب در بین سیاست‌مداران و مردم به وجود آمده بود، در طنزهایش به کار می‌برد:

ضمناً آن سار که از درخت پرید و داستانش در کتاب درسی قدیم بود، دو سه روز پیش آمد این‌جا روی یک درخت نشست و گفت که تا سازمان حفاظت محیط زیست تکلیفش را روشن نکند، پدر سوخته باشد اگر بپرد! خلاصه آن قدر نپرید تا عمرش را داد به شما! نه خیال کنی از شایعه آلودگی هوا و گرانی و کمبود دوا و گران‌فروشی و این جور چیزها بود... نخیر خودش صبر انقلابی نداشت، مرد. خیال می‌کرد ما نمی‌فهمیم! (صابری، ۱۳۶۹: ۱۶۰).

– صبر انقلابی: صبر ایوب، صبر و تحمل زیاد داشتن.

مدت‌هاست که امر آموزش پزشکی در حوزه وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی قرار دارد. حال آن‌که یک زمانی، همین جور الکی و من غیر وجه، دست وزارت فرهنگ و آموزش عالی بود! البته اسم آن وزارت‌خانه هم قبلاً برای خودش، همین جور کسره‌ای، وزارت بهداری بود! نتیجه این تحول چی شد؟ این شد که حالا هر مؤسسه‌ای که بخواهد در تربیت نیروی پزشکی یک همیاری‌ای، یک خودیاری‌ای، یک دخالت مؤثری بکند، این روابط عمومی وزارت بهداشت و درمان و بهداری و آموزش پزشکی، به سابقه اصل منسوخ تخصص‌گرایی که صنار هم فایده نداشته و ندارد و نخواهد داشت، فی الفور یک اطلاعیه‌ای در روزنامه‌ها چاپ و حواس امت شهیدپرور را پرت می‌کند (صابری، ۱۳۶۹: ۱۵۶).

– «امت شهیدپرور» کنایه از ملت ایران است. این کنایه بعد از جنگ عراق و ایران رواج گرفت.

### ۷.۳ کنایه‌های پرکاربرد

در «دو کلمه حرف حساب»‌های چاپ‌شده در ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۷ از برخی از کنایات بیش‌تر استفاده شده است. قطعاً استفاده بیش‌تر از برخی کنایات اتفاقی نیست و بیان‌گر دغدغه فکری صابری است.

گزینش واژگان یکی از مختصات سبکی است که در تحلیل آثار ادبی مورد توجه قرار می‌گیرد. ضیایی در «مدار واژه‌های دو کلمه حرف حساب» نشان می‌دهد:

هسته مرکزی دو کلمه حرف حساب بر خود واژه حرف بنا شده است. حرف به مفهوم

کلی آن از جمله گفتار، حرف، رأی، نظر، بیان، جهان‌بینی، آزادی در گفتار، گفتمان، و همه آن‌چه به گفتن انسان در ارتباط با دیگران یا نوشتار که در اصل همان گفتمان نوشتاری است مربوط می‌شود (ضیایی، ۱۳۸۴: ۴).

کنایه‌هایی که او بیش‌تر در دو کلمه حرف حساب به کار می‌گیرد نیز بر مدار واژه حرف می‌گردد، کنایاتی چون «حرف حساب زدن»، «گل گفتن»، «مخالف خواندن»، «نطق کسی خشکیدن»، «زبان را گاز گرفتن»، «جواب دندان‌شکن»، «حرف به گوش کسی فرونرفتن»، «از خود حرف درآوردن»، «توپ و تشر زدن»، «زبان درازی کردن»، «زبان‌بسته»، «زبان‌ش مو درآورده»، «زبانم لال»، «حرف کشکی»، «حرف کتره‌ای»، «حرف‌های صد تا یک غاز» در ذیل چند نمونه از این کنایات پرکاربرد با ذکر مثال نشان داده می‌شود:

### ۱.۷.۳ کشک، حرف کشکی، کشک خود را ساییدن، برو کشکت را بساب

انوری در فرهنگ کنایات سخن ذیل کنایات فوق آورده است:

- کشک: فاقد ارزش و اهمیت، بی‌معنی و پوچ؛
  - کشکی: بدون پایه و اساس، دروغین و پوچ، بدون پایه و اساس و مقدمات لازم، بدون پایه و اساس و مقدمات لازم بودن، و سادگی؛
  - کشک خود را ساییدن: به دنبال کار خود رفتن؛
  - کشک ساییدن: انجام دادن کار بی‌اهمیت یا بی‌نتیجه (انوری، ۱۳۸۳: ۱۲۵۴).
- این کنایات بسیار پرکاربردند و در بسیاری از «دو کلمه حرف حساب»ها دیده می‌شوند. صابری تصاویر طنزآمیز برجسته‌ای به‌واسطه این کنایات خلق می‌کند، حتی این کنایات به اندازه‌ای در «دو کلمه حرف حساب»ها تشخیص می‌یابند که کشک‌ساب در کنار عصا، قلم و عینک گل‌آقا و سماور شاغلام یکی از اشیای مهم آبدارخانه می‌شود.

تصور بفرمایید: درست در راستای آبدارخانه، یک نفر (مثلاً العیاذ بالله همین شاغلام) یقه آدم را بگیرد و بپرسد: برادر گل‌آقا! این فن شریف کشک‌سابی را چه جوری آموزش می‌دهند؟ می‌گویم: برادر شاغلام! اولاً کشک‌سابی دو جور است: استراتژیک و دیمی! منظور نظر حضرت‌عالی کدام می‌باشد؟ آن‌که، رها کن یقه این پیراهن تعاونی بنده را... تاب و توان کش و واکش ندارد، جر می‌خورد ها!

می‌گویم: شاغلام جانم! مهربانم! باوفا! سرکار عالی همین روزنامه اطلاعات و مصاحبه مقامات را بخوان، انگار همین جور درسته در بحر علوم مستغرق شده باشی! ... آفرین پسر خوب! بخوان:

اولین دوره مدیریت استراتژیک با سخنان وزیر صنایع سنگین پایان یافت. وی گفت: مهم‌ترین وظیفه ما در امر بازسازی گسترش آموزش در رده‌های مختلف است و در این راستا مدیران از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

ملاحظه نمودید؟ فلذا گمانم کشک‌ساب هم برای خودش یک کسی است مثل همین مدیران! آموزششان دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد که! (صابری، ۱۳۷۳: ۱۰۰).

### ۲.۷.۳ زبانم لال

– زبانم لال «شبه جمله‌ای که به‌منظور اظهار پشیمانی از گفتن سخن نابه‌جا بیان می‌شود» (انوری، ۱۳۸۳: ۸۴۱). صابری با کاربرد فراوان این کنایه، وضعیت جامعه‌ای که دولت تاب شنیدن انتقاد را ندارد به‌خوبی نشان می‌دهد:

برادر گل‌آقا سلمه‌الله اگرچه حضرت‌عالی ما را ممنوع‌القلم کردی، ولی ممنوع‌السؤال که نفرمودی؟ علی‌هذا جسارتاً عرض می‌شود که در تداوم روند کلی مبارزه با گرانی، گاه‌ا! شایعاتی شنیده می‌شود که گویا بعضی از اجناس، که دست خود دولت است – زبانم لال – نه این‌که فقط گران باشد بلکه گاه‌ا! روزبه‌روز گران‌تر هم می‌شود (صابری، ۱۳۶۹: ۱۵۷).

### ۳.۷.۳ زهره کسی را آب کردن، زهره کسی آب شدن، زهره ترک، زهره ترک شدن

– زهره کسی را آب کردن: او را بسیار ترساندن؛

– زهره کسی آب شدن: بسیار ترسیدن یا از وحشت زیاد به حال مرگ افتادن او؛

– زهره ترک: وحشت زده؛

– زهره ترک شدن: بسیار ترسیدن؛

– زهره ترک کردن: سخت ترساندن (انوری ۱۳۸۳: ۸۶۵).

همین جور هاج و واج به مش رجب نگاه کرد و نطقش خشکید! غضنفر که دید این بی‌چاره دارد از ترس قالب تهی می‌کند، با ملایمت گفت: شاغلام جان! همین یک ساعت پیش داشتم داستان ضرب و شتم آن ۹ نفر را برایت تعریف می‌کردم ... به همین زودی یادت رفت؟ شاغلام با همان سادگی همیشگی‌اش گفت: ای آقا ... ما چه ربطی به آن‌ها داریم؟ ... آن‌ها ۹ نفر بودند، ما ۴ نفریم ... لابد اول می‌شمرند ... اما مش رجب وسط حرفش از جا در رفت و سرش داد کشید که: پدر آمرزیده، کجای کاری؟ ... اول می‌زنند بعد می‌شمرند ...

... بی‌چاره شاغلام از ترس حرف‌های مش رجب دم‌بش را روی کولش گذاشت و رفت که رفت ... زهره‌اش تترکیده باشد خوب است! (صابری، ۱۳۶۹: ۶۰).

البته کنایه‌های پرکاربرد به این سه نمونه ختم نمی‌شود و این‌ها نمونه‌هایی از پرکاربردترین کنایه‌های «دو کلمه حرف حساب» اند که بسامد بالای آن‌ها می‌تواند بر بسیاری از مسائل دلالت کند.

### ۸.۳ کنایه و دیگر شگردهای ادبی

صابری برای خلق تصویر طنزآمیز گاه تنها از یک کنایه استفاده کرده و گاهی کنایه را در آرایه ادبی دیگری به کار برده است و «صور بیانی مضاعف» ساخته است. صور بیانی مضاعف «عبارت از دوچندان شدن یک صورت خیالی است به واسطه یک صورت خیالی دیگر یا یک آرایه بدیعی در یک واژه یا ترکیب خاص» (صرفی، ۱۳۸۸: ۱۳۰).  
صابری بیش تر کنایه را در تشبیه و ایهام به کار برده است:

#### ۱.۸.۳ کنایه در تشبیه

در تشبیه یکی از طرفین تشبیه کنایه است.

می‌گویم: برادر غضنفر! شما در همان سال ۶۹ از همین مغازه بغلی، یک کیلو شیر را چند ابتیاع می‌نمودی؟ می‌گوید: شانزده تومان! می‌گویم: حالا چند می‌خری؟ می‌گوید: ۵۰ و بلکه ۵۵ تومان!

نقل تتمه مذاکره، البته مناسبتی ندارد؛ زیرا که ما عرض کردیم: 'ولی شیر این روزها آبکی تر است' و غضنفر فرمود: 'چه بهتر... تازه، شده مثل فرمایش بعضی از برادران!'  
تأدیب این زبان‌آور را، عصای 'گل آقا' را پرت نمودیم... کله ناقابلش، چه قابلی دارد؟  
بخت یارش بود که 'گل آقا' در غیبت است. اگر در حضور بود، حکماً سیلیش را نیز دود می‌داد. نمی‌داد؟ (صابری، ۱۳۷۴: ۳۲۴).

- شیر (مشبه) به فرمایش بعضی از برادران (مشبه‌به) تشبیه شده و وجه شبه کنایه آبکی (غیرمنطقی و بی پایه) است.

#### ۲.۸.۳ کنایه در ایهام

در این نوع یکی از معانی واژه یا ترکیبی که ایهام واقع شده کنایه است.

دیپلماسی!

۲۵ سفارت‌خانه و نمایندگی خارجی در قاچاق اشیاء عتیقه 'دست' داشتند (جراید).



نعمت‌الله ایران‌زاده و نجمه زارع بنادکوکي ۳۵

- دیپلمات‌ها، آدم‌های بامزه‌ای هستند ... 'دست' دارند، ولی 'اسم' ندارند!  
(صابری، ۱۳۷۳: ۹۲).

- «دست دارند» ابهام دارد: الف) دست یکی از اعضای بدن؛ ب) معنای کنایی دخالت‌داشتن و سهم‌بودن در کاری.

#### ۴. نتیجه‌گیری

کیومرث صابری، طنزنویس معاصر، در طنزهای «دو کلمه حرف حساب» بسیار استادانه از کنایه بهره گرفته است تا تصاویر طنزآمیز خلق کند. او نه تنها از کنایه‌های رایج استفاده کرده است، بلکه خود مبتکر کنایات جدیدی است. همچنین او از کنایات آشنایی‌زدایی می‌کند تا تأثیر آن‌ها را دوجندان کند. استفادهٔ خلاقانهٔ صابری از کنایه در «دو کلمه حرف حساب»، رابطهٔ تنگاتنگی با به‌اوج‌رسیدن سبک خاص او دارد. هرچه سبک او خاص‌تر می‌شود کاربرد کنایه نیز بیش‌تر و خلاقانه‌تر می‌شود. صابری فقط از کنایه به‌مثابه یک نشانهٔ زبانی صرف استفاده نمی‌کند؛ او اغلب تلاش می‌کند به طرق متفاوت گرد عادت را از کنایه‌ها بزدايد و آن‌ها را برجسته کند و این موضوع به‌خصوص در بخش کنایه‌های ابتکاری نمود دارد. کاربرد فراوان کنایه در آثار صابری می‌تواند دلالتی بر مردمی‌بودن و از زبان مردم سخن‌گفتن او و توان‌مندی ادبی‌اش در به‌کارگیری زبان شیرین و شکرین فارسی باشد. البته توجه به زبان مردم از عمده‌ترین دلایل استقبال مردم از طنزهای «دو کلمه حرف حساب» در سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۷ بود.

#### منابع

- اصغرپور، ریتا (۱۳۸۴). «زندگی‌نامهٔ گل‌آقای ملت ایران»، *زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی کیومرث صابری*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اصلانی، محمدرضا (۱۳۷۸). *فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز*، تهران: کاروان.
- انوری، حسن (۱۳۸۳). *فرهنگ کنایات سخن*، ج ۱ و ۲، تهران: سخن.
- آفازینالی، زهرا و حسین آقاحسینی (۱۳۸۷). «مقایسهٔ تحلیلی کنایه و آیرونی در ادبیات فارسی و انگلیسی»، *کاوش‌نامه*، س ۹، ش ۱۷.
- باقری خلیلی، علی‌اکبر (۱۳۸۸). «عناصر غالب بلاغی در طنزهای دیوان خروس‌لاری»، *پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دورهٔ جدید، ش ۳.

### ۳۶ سبک کنایی «دو کلمه حرف حساب» کیومرث صابری فومنی

- تجبر، نیما (۱۳۹۰). *نظریه طنز بر پایه متون برجسته طنز فارسی*، تهران: مهر ویستا. ثروت، منصور (۱۳۷۵). *فرهنگ کنایات*، تهران: سخن.
- دشتی، سید محمود (۱۳۸۶). «تعریض، تطور، اهمیت و نقش آن در تفسیر قرآن»، *پژوهش‌نامه قرآن و حدیث*، ش ۳.
- ده‌مرده، حیدرعلی و دیگران (۱۳۸۶). «کنایه لغزان‌ترین موضوع در فن بیان»، *دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، ش ۲۲.
- زروی، ابوالفضل (۱۳۸۹). «به خط قرمزها اعتقادی ندارم»، *خبرگزاری فارس (مجله الکترونیکی)*. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۰). *صور خیال در شعر پارسی، تحقیق انتقادی در تطور ایمازهای شعر پارسی و سیر نظریه بلاغت در اسلام و ایران*، تهران: نیل.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۴). *بیان*، تهران: اندیشه.
- صابری فومنی، کیومرث (۱۳۶۹). *گزیاه دو کلمه حرف حساب*، ج ۱، تهران: سروش.
- صابری فومنی، کیومرث (۱۳۷۲). «ما طنز را با عشق، صمیمیت و... می‌نویسیم!» [مصاحبه گل‌آقا با تهران تایمز]، *گل‌آقا*.
- صابری فومنی، کیومرث (۱۳۷۳). *گزیاه دو کلمه حرف حساب*، ج ۲، تهران: موسسه گل‌آقا.
- صابری فومنی، کیومرث (۱۳۷۴). *گزیاه دو کلمه حرف حساب*، ج ۳، تهران: موسسه گل‌آقا.
- صابری فومنی، کیومرث (۱۳۸۴). «مصاحبه روزنامه‌ای با کیومرث صابری»، *یادنامه کیومرث صابری*، سیدعبدالکریم موسوی، تهران: دفتر طنز حوزه هنری با همکاری موسسه گل‌آقا و جشنواره مطبوعات.
- صرفی، محمدرضا (۱۳۸۸). «صور بیانی مضاعف در شعر فارسی»، *پژوهش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*، ش ۱.
- ضیایی، محمدرفع (۱۳۸۴). «مدار واژه‌های دو کلمه حرف حساب»، *اطلاعات*، ۳۱ شهریور.
- کیانی رشید، غلام‌رضا (۱۳۷۱). «خط‌مشی گل‌آقا»، *گل‌آقا*.
- کیانی رشید، غلام‌رضا (۱۳۷۴). «سیری در دست‌نوشته‌های گل‌آقا خطاب به تحریریه، تصویریه، اداری، و فنی»، *گل‌آقا*.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۵). «کنایه نقاشی زبان»، *نامه فرهنگستان*، ش ۸.